هو الله - ای فاضل جليل نامه شما رسيد و به ملاحظه‌اش…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٦٠٤

### هو الله

ای فاضل جليل نامه شما رسيد و به ملاحظه‌اش صبح شادمانی از افق قلب دميد زيرا دليل بر اين بود که کشت حضرت صدرالصّدور را آبياری می‌نمائی و باغ آمال او را باغبانی کنی و در حدائق قلوب به طرّاحی گل‌های معانی مشغولی. امّا جميع تدريس و تعليم بايد درس تبليغ باشد تا تلامذه در تبليغ مهارت پيدا کنند والّا اگر به نحو و صرف و منطق و بديع و بيان و امثال ذلک بپردازند و بعد درس تبليغ بخوانند سال‌های سال بگذرد و فرصت از دست برود. پس در دلائل اثبات الوهيّت و براهين وحدانيّت و تنزيه و تقديس حقيقت بحت مجهول النّعت و اثبات لزوم وحی و براهين حقّيّت مظاهر مقدّسه به دلائل عقليّه و نقليّه بايد مهارت يابند و جميع آيات و احاديثی که دليل بر يوم ظهور است حفظ کنند. اين قضيّه در دو سال حاصل شود و آن وقت به تبليغ پردازند.

در خصوص ناقه صالح سئوال نموده بوديد. عبدالبهآء فرصت قرائت عشر مکاتيب متوارده ندارد تا چه رسد به اجوبه مفصّله و مشاغل سائره نيز بی حدّ و پايان. با وجود اين کجا فرصت تفسير آيات و تأويل کلمات و توضيح اشارات و تشريح بشارات کتب منزله سابقه دارد. هر روز البتّه صد سؤال وارد و جواب می‌طلبند. لهذا اين عبد به اهمّ پرداخته که لزوم قطعی دارد و جواب می‌نگارد و سؤالات سائره را به وقت مرهون موکول می‌نمايد. ناقه صالح در آثار مبارک اشاره است که نفس مقدّس صالح بود و از لبن معانی که پستان رحمانی آن وجود مبارکست رزق روحانی و لبن رحمانی نازل امّا نفوس خبيثه آن ناقه الهيّه را پی نمودند و انکار کردند و تکذيب نمودند و به عذاب اليم حرمان و کفران و طغيان گرفتار شده به هلاکت ابدی افتادند. و امّا آن چشمه چشمه حيات اين جهان بود و من المآء کلّ شیء حيّ. آن قوم عنود خواستند که زندگی اين جهان فانی بتمامه شايان ايشان باشد لهذا به انکار و استکبار و اذيّت و اضطهاد قيام کردند و آن ناقه الهی را پی نمودند و چون آن ناقه الهی را انکار کردند نتيجه و اثر آن حضرت از ميان آن قوم خروج نمود و غائب گرديد. اينست که مذکور است که نتيجهٔ ناقه رو به کوه و صحرا نهاد و غائب گرديد و آن قوم به خسران ابدی افتادند و به انعدام سرمدی مبتلا گشتند. محو و نابود شدند، نه ثمر و اثری و نه ذکر و خبری و نه حياتی و بقائی، لا تسمع لهم صوتاً و لا رکزاً.

در خصوص کتاب تازه که ردّاً علی اللّه و مظاهر نفسه تأليف شده خواهش اجازه نگارش جواب فرموده بوديد، بسيار موافق. معلوم است چون نفسی از اهل ارتياب چنين اسرافی نمايد بايد اهل انصاف به دفع اعتساف او کوشند، جوابی مقنع مکمّل مرقوم نمائيد و عليک بهآء الأبهی. ع ع